

بازتاب دنیوی اعمال منفی انسان در روایات

a.zolfaghar58@chmail.ir
hasanusofian@gmail.com

کچ احمدرضا ذوالفقاری / کارشناس ارشد کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
حسن یوسفیان / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۶/۷/۱۷

دریافت: ۹۶/۲/۲۹

چکیده

در آیات و روایات بسیاری بر تأثیر اعمال انسان در حوادث طبیعی و بازتاب دنیوی آن اعمال تصریح شده است. این تأثیر و تأثر با رویکردهای گوناگونی همچون اخلاقی، تربیتی و هستی‌شناختی می‌تواند بررسی شود. در این تحقیق، رابطه تکوینی اعمال منفی انسان و حوادث طبیعی با توجه به روایات با رویکرد هستی‌شناختی بررسی می‌شود و با استفاده از روش نقلی، تأثیر اعمال اختیاری انسان در بروز حوادث طبیعی به صورت موجبه جزئیه اثبات می‌گردد؛ به این معنا که اعمال انسان مقتضی وقوع برخی از حوادث طبیعی است، هرچند از برخی روایات نیز می‌توان به علیت تامه بعضی از اعمال نسبت به نتایج مترتب بر آنها دست یافت.

کلیدواژه‌ها: اعمال اختیاری، رابطه تکوینی، حوادث طبیعی، اقتضا.

مقدمه

تفاسیر خویش، ذیل آیات ذی‌ربط، در این باره مطالبی نگاشته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۶۳۲-۶۵۰؛ همو، ۱۳۸۵، ج ۲۹، ص ۵۱۹-۵۲۰). در همین زمینه، کتاب‌ها و مقالاتی نیز وجود دارد که معمولاً مطلق اعمال انسان، اعم از نیک و بد را از منظر قرآن و روایات بررسی کرده‌اند (ر.ک: سبحانی فخر، بی‌تا؛ میری، ۱۳۹۴؛ علیدوست، ۱۳۹۵؛ ساروی، ۱۳۸۱؛ آخوند، ۱۳۹۳؛ جوکار، ۱۳۹۱). این بازتاب بر چند قسم است: ۱. بازتاب فردی؛ ۲. بازتاب اجتماعی (فراگیر). هر کدام از این دو دسته، خود به دو قسم قابل تقسیم است؛ زیرا آن اثر دنیوی، یا نتیجه عمل مثبت است و یا نتیجه عمل منفی. بنابراین، به چهار قسم تقسیم می‌شود: ۱. بازتاب فردی عمل مثبت؛ ۲. بازتاب فردی عمل منفی؛ ۳. بازتاب اجتماعی عمل مثبت؛ ۴. بازتاب اجتماعی عمل منفی.

این نوشتار درصدد بررسی بازتاب دنیوی مترتب بر اعمال منفی، اعم از فردی و اجتماعی، با روش «نقلی» است.

بازتاب دنیوی اعمال منفی

روایات را در دودسته بررسی می‌کنیم:

۱. بازتاب فردی مترتب بر اعمال منفی

اعمال اختیاری انسان که به‌صورت فردی انجام می‌گیرد، همچون گناهان فردی که انسان انجام می‌دهد، همگی دارای اثراتی در این عالم است که موجب بازتاب‌هایی در زندگی او می‌شود، خواه انسان بدان علم و آگاهی داشته باشد و خواه متوجه آن بازتاب‌ها نشود. ازجمله اثراتی که در روایات بر اعمال منفی انسان مترتب می‌شود عبارت است از:

۱. محرومیت از رزق و سلب نعمت

یکی از اثرات مترتب بر گناهان، محروم شدن از رزق است. «رزق» خواه به معنای عطای دائمی خداوند به انسان، یا به معنای بهره‌مندی (موقت) انسان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۱) و یا هر معنای دیگری که در فارسی از آن به روزی تعبیر می‌شود، اعم از مادی و معنوی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ ابن‌اثیر

آفرینش با تمام مظاهر جمال و جلالش، در مسیری که آفریدگار برایش تعیین نموده، به زیبایی در حرکت است. انسان هم، که یکی از اجزای آن است، در این مسیر تعیین شده همگام با سایر موجودات، راه خویش را می‌پیماید؛ انسانی که به فرمایش منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام «أ تَرَعُمُ أَنْك جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِیکَ أَنْطَوٰی الْعَالَمِ الْأَکْبَرِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۳۱۹)، گمان می‌کند جرمی کوچک است، و حال آنکه جهانی بس بزرگ در او نهفته است؛ موجودی که با تمام شئون وجودی خویش، اعم از نیت و عمل، در این عالم اثرگذار است، و اثرات و نتایج گوارا و ناگوار، و کوچک و بزرگ اعمال او بعضاً در قالب حوادث طبیعی ظهور و بروز می‌یابد و علاوه بر اینکه خود عامل را تحت سیطره خویش درمی‌آورد، بر سایر انسان‌ها و حتی سایر موجودات دیگر، اعم از حیوانات و گیاهان نیز اثر می‌گذارد.

این نوشتار بر آن است به این مهم بپردازد و آن را از منظر آیات و روایات بررسی کند تا معلوم کند میان اعمال انسان و حوادث طبیعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ دلایل نقلی و روایی دال بر این ارتباط چیست؟ چه نتایجی از این دلایل به دست می‌آید؟ و در ادامه، برخی شبهات درباره این مسئله را جواب دهد.

این تحقیق به‌هیچ‌روی در پی کشف ارتباط بین اعمال و نتایج به‌صورت جزئی در خارج نیست. برای مثال، اینکه چرا وقتی زکات داده نشود چهارپایان هلاک می‌شوند؛ به این معنا که ندادن زکات بر کدام‌یک از قواعد عالم تأثیر می‌گذارد و نیز چه تأثیری می‌گذارد که نتیجه آن هلاکت چهارپایان است. کشف این ارتباط جزئی ادعای گزارفی است که هیچ انسان غیرمعصومی اجازه آن را به خود نخواهد داد. بنابراین، پایه اصلی کار در این نوشتار، بر تحلیل و تبیین روایات به‌صورت کلی است، که می‌تواند به روش عقلی و نقلی انجام شود. و از آنجاکه اثبات ارتباط میان اعمال انسان و حوادث طبیعی موجب اخلاقی شدن بیشتر جامعه می‌شود، توجه به این مسئله ضروری می‌نماید.

بازتاب اعمال انسان در همین دنیا، یکی از موضوعاتی است که در متون دینی به آن اشاره شده و آیات و روایات متعددی آن را تبیین نموده است. با توجه به این مطلب، برخی از مفسران مسلمان، همچون علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی در

الف. فراموشی

ابن مسعود از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند: گناه موجب می‌شود انسان دانشی را که فراگرفته است، فراموش کند» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۱).

ب. بیماری

هشام‌بن سالم به سندی صحیح از امام صادق ﷺ در این باره حدیثی را نقل می‌کند که حضرت با استناد به آیه سوره مبارکه «شوری»، فرمودند: «هیچ رگی تند تند نزند و پایی به سنگ نخورد و درد سر و بیماری پیش نیاید، مگر به خاطر گناهی که انسان مرتکب شده است، و همین است که خدای عزوجل در کتابش می‌فرماید: هر مصیبتی به شما رسد، برای کاری است که به دست خود کرده‌اید و خدا از بسیاری هم گذشت می‌کند». سپس امام ﷺ فرمودند: «آنچه خدا از آن می‌گذرد از آنچه مؤاخذه می‌کند بیشتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۹، ص ۴۴۵).

در اینجا، توجه به این مطلب لازم است که «ضرب العرق» در این روایت، به معنای زدن و ضربان عادی نیست؛ به چند دلیل: اول اینکه در لغت‌نامه «ضرب العرق» به معنای «نَبْض» و درجایی «خَفَق» آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۴۳). و درجایی دیگر، «خَفَق» به «اضطرب» معنا شده، و «اضطراب» به معنای «لرزیدن» است. «اضطرب القلب» نیز به معنای «اختلال در کار قلب» معنا شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۴؛ ج ۱، ص ۸۰؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۶۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۷۶). پس تند زدن قلب نشانه بیماری است.

دوم اینکه ملاصالح مازندرانی در شرح اصول کافی، «ضرب العرق» را کنایه از مطلق بیماری یا بیماری خاصی (که شاید همان سکنه قلبی یا مغزی است) گرفته است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۹، ص ۳۱).

سوم و شاید مهم‌ترین دلیل اینکه زدن عادی و ضربان معمولی رگ اصلاً با سیاق این روایت مناسب نیست؛ زیرا سیاق این روایت درباره بلاهای مترتب بر گناه است، و حال آنکه ضربان و زدن عادی رگ در همه انسان‌ها، حتی انبیا و اولیای الهی به‌عنوان امری خدادادی و طبیعی وجود دارد و به‌هیچ‌وجه، نتیجه گناه نیست.

جزری، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۹). بدین‌روی، باید گفت: بنا بر اطلاق برخی از روایات نسبت به رزق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱)، وقتی انسان مرتکب گناه شود، این عمل منفی اقتضا دارد که انسان را از رزقی محروم کند، خواه آن رزق مادی باشد؛ مثل محروم شدن صاحبان آن باغ کذایی از ثمرات باغشان که در سوره قلم (آیات هفدهم تا سی‌ام) به آن اشاره شده است. امام باقر ﷺ با استناد به آن آیات، در حدیثی که سند آن صحیح است، می‌فرماید: (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱) «انسان گناهی را مرتکب می‌شود و بدین سبب، رزقی از او سلب می‌شود». و یا اینکه «انسان به واسطه گناه، از رزقی معنوی همچون خواندن نماز شب محروم می‌گردد» (همان، ص ۲۷۲؛ ج ۳، ص ۴۵۰).

از دیگر اثرات مترتب بر گناهان، این است که نعمتی از انسان سلب می‌شود. در روایت صحیحی از امام صادق ﷺ آمده است: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يُذْنِبَ ذَنْباً يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ» وقتی خداوند نعمتی را به بنده‌ای عطا می‌کند هرگز آن نعمت را از آن بنده نمی‌گیرد، مگر اینکه او گناهی مرتکب شود که به واسطه آن گناه، مستحق سلب نعمت گردد (همان، ج ۲، ص ۲۷۴).

مراد از «نعمت» نیز در اینجا، همان چیزی است که خداوند برای انسان صلاح دانسته و به او عطا کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۸۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۷۷)؛ از نعمت ولایت گرفته تا نعمت سلامت که همگی منتهی است از جانب حق تعالی برای انسان، و بر هر نعمتی شکری است واجب. به نظر می‌رسد «نعمت» و «رزق» در اینجا، به یک معنا باشند، البته با این تفاوت که در محرومیت از رزق، در اثر گناه اساساً رزقی به عبد داده نمی‌شود، اما سلب نعمت به این معناست که خداوند متعال به علت عمل ناشایستی که انسان انجام داده، رزقی را که به‌عنوان نعمت به وی عطا کرده است، از او می‌ستاند.

۲. تأثیرات روانی و بدنی گناهان

از آنجاکه بدن انسان نیز یکی از اجرام طبیعی موجود در عالم ماده است و گناه - در حقیقت - خروج از نظم و قواعد عالم است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۷۲)، گناه در بدن انسان نیز دارای اثراتی است. بنا بر آنچه در روایات آمده است، به برخی از آنها اشاره می‌شود؛

اشکال

در اینجا، با توجه به آیه سی‌ام سوره مبارکه «شوری» «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»، که امام صادق علیه السلام در حدیث فوق بدان استناد نمودند، ممکن است این شبهه پیش آید که اگر گناه موجب این همه مصایب و شداید و امراض و بلاهاست، پس لازمه آن این است که کافران و مشرکان و گناه‌پیشگان همیشه گرفتار این مصایب باشند و معصومان علیهم السلام از انبیا و ائمه گرفته تا پیروان و محبان ایشان همیشه غرق در نعمت و خوشی بوده، ذره‌ای بلا و مصیبت بر ایشان فرود نیاید، و حال آنکه با اندک تورقی در صفحات تاریخ، به وفور مصایب اولیای خدا به چشم می‌خورد. بنابراین، گناه علت تامه مصایب نیست.

جواب

در جواب این اشکال باید گفت:

اولاً، بنا بر حدیث صحیح هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام که ذکر شد، با توجه به اینکه امام علیه السلام در آن فرمایش از ادات حصر (ما و الا) استفاده کرده‌اند، می‌توان به علیت تامه برخی از گناهان برای برخی از بلاهای مترتب بر آن اعمال اذعان نمود. علاوه بر آن نمی‌توان و نباید خوشی و راحتی در دنیا را فقط نعمت به حساب آورد و بعکس، سختی‌ها و مصایب دنیا را نعمت؛ بلکه با توجه به آیه ۲۱۶ سوره مبارکه «بقره» که می‌فرماید: «جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد، درحالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، و حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، و حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۴)، باید گفت: چه بسا آنچه انسان برای خودش راحتی و خوشی می‌پندارد و آن را نعمت محسوب می‌کند، اساساً برای انسان شر و نعمت باشد. و بعکس، چه بسا آنچه را انسان برای خودش سختی و مصیبت می‌پندارد و آن را نعمت به حساب می‌آورد در حقیقت، برای انسان خیر بوده، نعمتی الهی و خدادادی باشد.

ثانیاً، با توجه به برخی از روایات معلوم می‌شود مصایب و سختی‌هایی که در دنیا بر انسان فرود می‌آید - دست کم - دو نوع است: یک نوع آن بر اثر گناه و خروج از مسیر حقیقت بر انسان نازل می‌شود، که این در حقیقت، برای مؤمنان کفاره گناهان است و برای

کافران عقوبت دنیوی. و نوع دوم آن، که برای اولیای الهی اتفاق می‌افتد، در حقیقت برای ترفیع درجه است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در حدیث صحیح ابن رثاب در جواب این سؤال که آیا با توجه به آیه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»، مصایبی که دامن‌گیر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌شود هم بر اثر گناه است؟ چنین فرمودند: «خداوند تعالی به اولیای خود مصیبت‌هایی را بدون داشتن حتی یک گناه اختصاص می‌دهد تا ایشان را اجر دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۰). این مطلب را امام سجاد علیه السلام نیز در جواب یزید تأکید کردند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵۲). یزید مصایب اهل بیت علیهم السلام در فاجعه کربلا را به گردن خود آنان می‌انداخت و به این آیه شریفه مزبور استناد می‌کرد. اما امام علیه السلام با استناد به آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره مبارکه «حدید»، در پاسخ فرمودند: «چنین نیست، این آیه درباره ما نازل نشده است؛ آنچه درباره ما نازل شده آیه دیگری است که می‌فرماید: «هر مصیبتی در زمین یا در جسم و جان شما روی دهد پیش از آفرینش شما در کتاب (لوح محفوظ) بوده، و آگاهی بر این امر بر خداوند آسان است. این برای آن است که شما به خاطر آنچه از دست می‌دهید غمگین نشوید، و به خاطر آنچه در دست دارید زیاد خوشحال نباشید» (حدید: ۲۱-۲۲). سپس امام علیه السلام افزودند: ما «کسانی هستیم که هرگز به خاطر آنچه از دست داده‌ایم غمگین نخواهیم شد، و به خاطر آنچه در دست داریم خوشحال نیستیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۹-۴۴۲).

۳. اثرات گناه در نسل

ظلم به دیگران از جمله گناهایی است که تأثیرات آن دامنگیر نسل انسان می‌شود و ممکن است حتی بر نواذگان انسان نیز فرود آید، چنان که حدیث صحیح هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام بر آن اشعار دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «هر کس به دیگران ظلم کند اثرات آن گناه دامنگیر خود او یا مالش و یا فرزندانش خواهد شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۲). نص این حدیث، ضعف روایت عبدالاعلی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۳). از امام صادق علیه السلام را به خاطر تکرار مضمون، جبران می‌کند که در آن تأکید بیشتری بر این مطلب شده است. و اگر کسی در این مطلب دچار استبعاد شود، با تمسک به استناد امام علیه السلام در همان حدیث، به آیه نهم سوره نساء «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا

اللَّهُ وَ لَيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»، باید برای دفع شبهه، به رفع استبعاد امام^ع از این مطلب توجه کند.

۴. موجب کم شدن عمر و تعجیل فنا

بنا بر روایت صحیح/سحاق بن عمار از امام صادق^ع برخی از گناهان عمر انسان را کاسته، موجب تعجیل در فناء انسان می‌شود؛ از جمله: قطع رحم و عاق والدین شدن و ترک کردن نیکی به دیگران (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۸). قطع رحم گناهی است که حتی اگر خانواده‌ای مؤمن نیز به آن مبتلا شود این اثر - یعنی تعجیل فنا - دامنگیر ایشان خواهد شد (راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۱؛ برای توضیح بیشتر، ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۶).

۵. برخی از دیگر اثرات گناهان

روایات متعددی از ائمه اطهار^ع درباره اثرات گوناگون گناهان وارد شده است که برای رعایت اختصار، فقط به چند نمونه آنها اشاره می‌شود:

- گناهانی که موجب پشیمانی می‌شود عبارتند از: قتل نفس محرم، ترک صلّه رحم؛ نخواندن نماز تا اینکه قضا شود؛ ترک وصیت؛ ترک ردّ مظالم؛ ندادن زکات تا فرارسیدن زمان مرگ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۱).

- گناهانی که پرده‌های عصمت را می‌برد عبارتند از: شراب‌خواری؛ قماربازی؛ سرگرم‌شدن به کارهای لغو؛ عیوب دیگران را فاش ساختن؛ هم‌نشینی با شاکان (همان).

نکته قابل توجه در اینجا آن است که برخی از گناهانی که در روایات سبب بعضی از اثرات شمرده شده، علت تامه آن اثر نبوده و بلکه به‌عنوان یکی از علل مؤثر است. علاوه بر آن، برای برخی از گناهان بیش از یک اثر نیز شمرده شده است؛ مانند عمل شنیع «زنا» که آثاری همچون حبس رزق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۷)؛ هلاکت و نابودی (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۱)؛ بروز مرگ ناگهانی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ و به وقوع پیوستن زلزله (همان، ص ۴۴۸) برای آن شمرده شده است.

این گناه در حدیث اول، سبب حبس رزق به حساب آمد، و حال آنکه در حدیث صحیح فضیل از امام باقر^ع (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱) - که در ابتدای مقاله گذشت - مطلق

گناه «الذنب» علت محرومیت از رزق شمرده شده است. در حدیث دوم، زنا یکی از اسباب تعجیل فنا در کنار سایر اسباب است و در حدیث سوم و چهارم، موجب مرگ ناگهانی و زلزله دانسته شده است. بنابراین، ممکن است گفته شود که تعجیل فنا و مرگ ناگهانی و زلزله در این روایات، به یک حقیقت اشاره دارند و قابل حمل بر یکدیگر هستند.

دوم. انعکاس اجتماعی مترتب بر اعمال منفی

در این دسته از روایات، از گناهانی بحث شده است که انجام آنها توسط مردم موجب بروز حوادثی فراگیر در جامعه خواهد شد؛ حوادثی که همه یا برخی از انسان‌ها، اعم از خوب و بد و اعم از مرتکب آن گناهان و غیرمرتکبان را شامل می‌شود. حتی موجب آذیت شدن حیوانات و سایر موجودات و حتی نابودی ایشان نیز می‌شود.

بنابراین، بحث در باب اعمال منفی است که موجب آثار اجتماعی در دنیا می‌شود؛ یعنی پیامدهای منفی که علاوه بر خود فرد مرتکب عمل منفی، متوجه سایر انسان‌ها نیز می‌شود.

۱. کم شدن بارش باران و خشک‌سالی

برخی از گناهان در روایات، سبب کاهش بارش باران و به تبع آن، ایجاد خشک‌سالی می‌شود که در ذیل از نظر خواهد گذشت:

اولین روایت از ابوحمزه ثمالی از امام باقر^ع است که در آن به گناه خاصی اشاره نشده، بلکه امام^ع تعبیر «إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعْصِي» را به کار برده‌اند که به شیوع گناه در جامعه اشاره دارد. ابوحمزه می‌گوید: از امام باقر^ع شنیدم که می‌فرمودند: «حقیقت این است که هیچ سالی کم باران‌تر از سال دیگر نیست، ولی خدا آن باران را در هر جایی که می‌خواهد نازل می‌کند. هرگاه مردمی نافرمانی خدا کنند، خداوند - عزوجل - آنچه باران برای آنها در آن سال مقدر کرده است برای دیگر مردمان و یا بر دشت‌ها و دریاها و کوه‌ها نازل می‌کند، و به‌راستی که خدا جُعَل را، که گونه‌ای سوسک است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۹) در سوراخش عذاب می‌کند به علت گناهان مردمی که در میان آنهاست، با نازل نکردن باران در زمینی که محل اوست. و به تحقیق، خدا برای جُعَل راهی فراهم کرده است که از آن به

دادیم بدانچه ناسپاسی کردند و کفر ورزیدند، و آیا مجازات کنیم جز ناسپاس را؟" (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۲۹).

آنچه از این روایت فهمیده می‌شود این است که تغییر در نعمت‌های الهی و کفران آنها و همچنین تکذیب اولیای خداوند و رضایت و حتی بی‌تفاوتی نسبت به تکذیب‌کنندگان و فراموش شدن این گناهان در جامعه، موجب قهر الهی و در نتیجه، نزول بلا می‌گردد.

۳. اثرات زیاد شدن گناه

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش، ذیل آیهٔ چهل و یکم سوره مبارکه «روم» «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» حدیثی از امام صادق علیه السلام آورده است که در آن، امام علیه السلام علت ظهور فساد در بر و بحر را کثرت گناهان و معاصی برشمرده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰).

یکی دیگر از محدثان در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ازدیاد زنا را باعث ازدیاد مرگ ناگهانی، و ازدیاد ربا را موجب کثرت زلزله ذکر کرده است (شعیری، بی‌تا، ص ۱۸۰).

بین این روایت و روایت دیگری که افشای زنا را موجب پدید آمدن زلزله دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۸) تعارضی وجود ندارد؛ زیرا اولاً، یکی (افشای زنا در روایت دوم) مربوط به اصل پدید آمدن زلزله و دیگری (ازدیاد ربا در روایت اول) مربوط به کثرت اتفاق افتادن زلزله است. ثانیاً، شاید بتوان هر کدام از این دو گناه (زنا و ربا) را به تنهایی علتی برای وقوع این پدیدهٔ طبیعی دانست. البته احتمال اینکه تصحیف شده باشد و هر دو یکی بوده و در نقل خطا شده باشد نیز وجود دارد.

اگر گناه در اعماق وجودی جامعه‌ای نفوذ کرد، همگان را در کام زهرآگین خویش فرو می‌برد، عالم ماده و طبیعت نیز از آن مردم رویگردان شده، برکات خویش را از ایشان بازمی‌دارد و بدین‌گونه، اهل آن جامعه در ورطهٔ هلاکت و عذاب الهی درمی‌غلتند. این یکی از سنن الهی است که در قرآن مجید بارها بر آن تأکید گردیده و تصاویر بسیاری از ویرانی‌های اقوام پیشین بر اثر همین غفلت عمومی به نمایش گذارده شده است. در دریای روایات نیز می‌توان برای تأکید بیشتر بر این مهم، جواهر فراوانی از کلمات درر بار معصومان علیهم السلام یافت که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

محلّی دیگر جز محل معصیت کارها برود». جابر می‌گوید: سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۲).

دوم. روایت ابوخلد کابلی از امام سجاد علیه السلام است. بنا بر این روایت، از جمله گناهانی که مانع آمدن باران می‌گردد، عبارت است از: بیدادگری حاکمان در داوری و قضاوت؛ گواهی دادن به دروغ و باطل؛ پنهان داشتن شهادت؛ ندادن زکات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳)؛ قرض ندادن پول به نیازمندان و امتناع از عاریه دادن سایر مایحتاج زندگی به دیگران؛ سخت شدن دل‌ها بر بینویان و نیازمندان؛ ستم کردن به یتیمان و بیوه‌زنان؛ تشر زدن بر درخواست‌کننده؛ پناه ندادن و رد کردن او در شب‌هنگام (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۱).

از دیگر گناهانی که موجب خشک‌سالی و قحطی می‌شود، بنا بر روایت شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام «کم‌فروشی» است (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸). و بنا بر روایت شیخ مفید از امام رضا علیه السلام «دروغ‌گویی والیان» موجب حبس مطر می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۰).

۲. بروز سیل

از دیگر اثرات گناهان اجتماعی، آن است که اقتضای بروز سیل‌های ویرانگر را دارد. در قرآن مجید، در سورهٔ مبارکه «سبأ» آیات پانزدهم تا هفدهم به آن اشاره شده و در حدیث صحیح ذیل، بر این مطلب تأکید گردیده است:

شخصی از امام صادق علیه السلام دربارهٔ تفسیر آیهٔ نوزدهم سوره «سبأ» که می‌فرماید: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...» پرسید؛ امام در جواب فرمودند: «اینان مردمی بودند که ده‌های پیوسته داشتند، هر کدام در شعاع دید دیگری بود، دارای جوی‌های روان و اموال فراوان و نمایان بودند، ولی به نعمت‌های خدای عزوجل ناسپاسی کردند و عافیتی را که خداوند بدان‌ها داده بود دگرگون ساختند. خدا هم نعمتی را که داشتند دگرگون ساخت "و به‌راستی که خدا تغییر ندهد آنچه را مردمی دارند تا آنها خود را تغییر دهند". خدا سیلاب ویرانگری را بر آنها روانه کرد و ده‌های آنها را غرق گردانید و خانمان آنها را ویران کرد و اموال آنها را برد و به‌جای باغ‌های آنها، "دو باغ گذاشت که درخت‌های خار و گز داشتن و اندکی هم درخت سدر در آنها بود." سپس خدا فرمود: "آنها را سزا

است. بنابراین، بر اساس این قانون، سربلندی و خوشبختی و یا سرافکنندگی و بدبختی هر ملتی در درجه اول به خود آن ملت بازمی‌گردد؛ زیرا بر این اساس، مقدرات انسان قبل از هر چیز و هر کس، در دست خود اوست.

بر اساس روایات نیز برخی از گناهان اجتماعی موجب تسلط ستمگران بر جامعه شده، تغییر حکومت‌ها را فراهم می‌آورد. مهم‌ترین این گناهان نقض عهد الهی در پای‌بندی به ولایت و تضييع فریضه «امر به معروف» و «نهی از منکر» است؛ چنان‌که شیخ صدوق در ادامه حدیث/ابوحمزہ ثمالی از امام باقر^ع آورده است: (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸). «و زمانی که نقض عهد کنند خداوند دشمنشان را بر آنها مسلط می‌کند؛ و اگر قطع رحم کنند اموال به دست ناهلان می‌افتد؛ و زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند و پیرو نیکان از اهل بیت من نباشند خداوند ناهلان ایشان را بر آنها مسلط می‌گرداند، و در این زمان، دیگر دعای نیکانشان مستجاب نخواهد شد» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸).

مرحوم کلینی نیز در کتاب *اصول کافی*، حدیثی از پیامبر اکرم^ع از قول امام باقر^ع آورده است که یکی از فقرات آن چنین است: «عهد خدا و رسولش را نقض نمی‌کنند، مگر آنکه خداوند دشمنشان را بر آنها مسلط می‌گرداند و این دشمنان برخی از آنچه را ایشان دارند از دستشان درمی‌آورند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۳؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۷۱).

شبهه جوامع غیرمسلمان

اشکالی که ممکن است درباره این‌گونه روایات به ذهن خطور کند از این قرار است: اگر گناه و به‌ویژه گناهان اجتماعی موجب فوران خشم طبیعت در سیل و زمین‌لرزه و امثال آن و نزول این همه بلا بر سر انسان‌ها می‌گردد، پس چرا جوامع غیرمسلمان و به‌ویژه کافران و مشرکان هنوز در روی زمین وجود دارند و حتی گاهی از زندگی راحت‌تر و رفاه بیشتری نسبت به جوامع مؤمن و پایبند به اسلام برخوردارند؟

جواب شبهه

الف. جواب تقضی

اگر اندکی به رسانه‌ها و مطبوعات، به‌ویژه اخبار حوادث آن، در

شیخ صدوق در ادامه روایت صحیح/ابوحمزہ ثمالی از امام باقر^ع که قبلاً ذکر شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۲) - سخنانی از پیامبر اکرم^ع آورده است که به این مطلب تصریح دارد. امام^ع فرمودند: در کتاب علی^ع یافتیم که پیامبر اکرم^ع فرمودند: وقتی زنا آشکار گردد، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود؛ و چون کم‌فروشی شود، خداوند آن مردم را به قحطی و نقص مؤاخذه می‌کند؛ و وقتی زکات ندهند، زمین نیز برکاتش، اعم از زراعت‌ها و میوه‌ها و معادن را به رخ نمی‌کشد؛ و اگر در حکمرانی ستم کنند، بر ظلم و عدوان یاری نموده‌اند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸).

۴. اثرات آشکار شدن گناه

یکی از بدترین گناهان آشکار ساختن و علنی کردن گناه است. اگر چنین گناهی دامنگیر جامعه‌ای شود خشم و غضب الهی در پی داشته، موجبات نابودی آن جامعه را فراهم کرده است.

امام صادق^ع در روایت صحیح صفوان بن یحیی، بر این مطلب تأکید کرده و فرموده‌اند: «إِذَا فُشِيَ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ إِذَا فُشِيَ الزُّنَا ظَهَرَتْ الزَّلْزَلَةُ وَإِذَا فُشِيَ الْجَوْرُ فِي الْحُكْمِ احْتَبَسَ الْقَطْرُ وَإِذَا خُفِرَتِ الذَّمَّةُ أُدِيلَ لِأَهْلِ الشُّرْكِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَإِذَا مَنَعَتِ الزَّكَاةُ ظَهَرَتِ الْحَاجَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۸) اگر چهار چیز علنی شود چهار چیز پدید می‌آید: وقتی زنا فاش شود، زلزله پدیدار می‌گردد؛ وقتی حکم به‌ناحق شایع شود، باران بند آید؛ و چون پیمان با دشمن شکسته شود و طبق مقررات از آنها نگهداری نشود مشرکان بر مسلمانان غلبه کنند؛ و چون زکات پرداخت نشود نیاز و فقر پدیدار گردد (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۴۷). روایات دیگری نیز از رسول اکرم^ع بر این مطلب تصریح کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۳).

۵. تغییر یا زوال نعمت حکومت در جامعه

با توجه به اصل قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، می‌توان قانونی کلی به دست آورد، و آن اینکه «همیشه تغییرات از خود ماست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۴۵). این اصل قرآنی، که نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام است، بیان می‌کند که هرگونه تغییرات برون، متکی به تغییرات درونی ملت‌ها و اقوام

۴. وجود برخی از اعمال همچون دعا و صدقه یا وجود برخی از سنت‌های الهی، همچون سنت «املا» یا «استدراج»، مانع به وقوع پیوستن برخی از نتایج اعمال انسان‌هاست. بنابراین، برخی از اعمال انسان مقتضی به وقوع پیوستن نتایج مترتب بر آن اعمال است و نسبت به آن نتایج علیت ناقصه دارد.

۵. بازتاب‌های اعمال برای مؤمنان ترفیع درجه و یا کفاره است. ولی برای کافران و مشرکان چیزی جز عذاب یا تمام پاداش نیست.

کشورهای غیرمسلمان دقت کنیم به وضوح درمی‌یابیم که نمی‌توان به راحتی ادعا کرد که در جوامع غیرمتدین نزول بلا کمتر از جوامع متدین باشد.

ب. جواب حلی

اگر بتوان میان گناه و نزول بلا در جوامع متدین رابطه علیت برقرار کرد، باید به این مطلب نیز توجه داشت که در آیات و روایات متعددی به حکمت نزول بلا در میان مؤمنان نیز اشاره شده است که از جمله این حکمت‌ها، بازگشت همراه با تضرع انسان مؤمن (انعام: ۴۲) و یا برای تطهیر مؤمن و به اصطلاح — کفاره گناهان اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۴ بَابُ تَعْجِيلِ عُقُوبَةِ الدُّنْبِ، به ویژه احادیث شماره ۱ و ۳ و ۱۰ که همگی صحیح‌السند هستند). و از آنجاکه در متون دینی ما، دنیا بهشت کافر معرفی شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۳؛ حرع‌املی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۲۴۵)، اگر سود و رفاهی یا کثرت مال و اولادی برای او وجود دارد، یا موجب گرفتاری دنیوی اوست (توبه: ۵۵ و ۸۵) و یا تمام پاداش او در برابر کارهای نیک اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۴) و در حیات جاودان اخروی هیچ سود و بهره‌ای نخواهد داشت (بقره: ۲۰۰). وجه دیگری در اینجا هست مبنی است بر اینکه امکان دارد سنت الهی «املا» (آل عمران: ۱۷۸) یا «استدراج» (اعراف: ۱۸۲) در مورد آنها جریان یافته باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به روایات مذکور، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت:

۱. حوادث طبیعی عالم همچون سیل و زلزله، که موجب هلاکت جامعه‌ای می‌شود، غالباً نتیجه گناهان اجتماعی برخی و بی‌تفاوتی سایرین است.

۲. گناهان فردی نیز اثرات دنیوی مترتب بر خود را داراست که غالباً به صاحب عمل بازگشت می‌کند، هرچند ممکن است دارای اثرات اجتماعی نیز باشد.

۳. با توجه به وجود برخی از ادات حصر در روایات، می‌توان علیت تامه برخی از گناهان برای نتایج مترتب بر آن را استفاده کرد. این مطلب از مترتب شدن نتایج قطع رحم در جامعه مؤمنان بر اساس برخی از روایات نیز قابل استفاده است.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، السوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیؑ.

فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب التشریح الکبیر، چ دوم، قم، دارالهجره.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، چ سوم، قم، دارالکتب.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

_____، ۱۳۷۵، ترجمه أصول الکافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، چ سوم، قم، اسوه.

مازندرانی، محمدصالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، شرح اصول الکافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبه الإسلامیه.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، الأملی، ترجمه حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن، چ دوم، قم، دارالقرآن الکریم.

_____ و دیگران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

میری، سیدسعید، ۱۳۹۴، عذابهای دنیوی الهی و انسان معاصر با رویکرد قرآنی، روایی و عقلی، قم، دفتر نشر معارف.

منابع.....

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، بی تا، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، قم، اسماعیلیان.

ابن فهد حلّی، احمدبن محمد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی ونجاح الساعی، تحقیق احمد موحدی قمی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چ سوم، بیروت، دارالفکر.

احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، مکاتیب الرسولؐ، قم، دارالحدیث.

آخوند، سکینه، ۱۳۹۳، «سنت الهی پاداش و کیفر دنیوی از دیدگاه قرآن»، نامه جامعه، ش ۱۱۱، ص ۱۲-۱۷.

جوادی آملی عبدالله، ۱۳۸۵، تسنیم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹، تسنیم، چ سوم، قم، اسراء.

جوکار، محبوبه، ۱۳۹۱، «سنت های الهی در پاداش ها و کیفرهای دنیوی (قسمت اول)»، نامه جامعه، ش ۹۹ و ۱۰۰، ص ۱۳-۴.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيتؑ.

دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، الشریف الرضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.

راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۷ق، الدعوات (سلوة الحزین)، قم، مدرسه امام مهدیؑ.

ساروی، پریچهر، ۱۳۸۱، «بازتاب کارهای ناشایست در تأیید قانون عمل و عکس العمل»، مقالات و بررسیها، ش ۷۱، ص ۱۱۱-۱۲۷.

سبحانی فخر، قاسم، بی تا، انعکاس اعمال انسان در دنیا، قم، فیضیه.

شعبری، محمدبن محمد، بی تا، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریه.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶، الأملی، چ ششم، تهران، کتابچی.

_____، ۱۴۰۳ق، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

علیدوست خراسانی، نورالله، ۱۳۹۵، بازتاب اعمال در آیات و روایات، تهران، دانشگاه امام صادقؑ.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، چ دوم، قم، هجرت.